

تحولات حقوق بین‌الملل در نتیجه جنگ جهانی اول

وحید بذار*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۲

چکیده

جنگ جهانی اول که در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی تقریباً تمامی قدرت‌های بزرگ جهان را درگیر خود کرد، در تحول حقوق بین‌الملل نقش بسزایی داشته است. در واقع، فجایع آسف‌بار و نقض‌های گسترده حقوق که در جریان این جنگ اتفاق افتاد، جامعه بین‌المللی را به‌طور جدی به این فکر انداخت که باید در راستای تبیین یک نظام حقوقی منسجم‌تر گام بردارد. در نتیجه انعقاد معاهده ورسای پس از پایان جنگ، دولت‌ها پذیرفتند تا در قالب یک سازمان بین‌المللی با صلاحیت عام (جامعه ملل) که اهداف اصلی خود را ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی و دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است، گردهم آیند. همچنین بر اساس سند مؤسس این سازمان (میثاق)، توسل ابتدایی به‌زور در روابط میان دولت‌ها بسیار محدود گردید. نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی نیز با هدف ایجاد یک سازوکار مسالمت‌آمیز حل‌وفصل اختلاف در روابط میان دولت‌ها پا به عرصه وجود گذاشت. شناسایی مسئولیت کیفری برای مقامات دولت‌ها در عرصه بین‌الملل و تحولات حقوق بشردوستانه را نیز می‌توان به‌عنوان رهاوردهای جنگ جهانی اول برای حقوق بین‌الملل ذکر کرد.

کلیدواژه‌گان:

حقوق بین‌الملل، جنگ جهانی اول، معاهده ورسای، جامعه ملل، دیوان دائمی بین‌المللی

* دکترای حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران
vahidbazzar@gmail.com

مقدمه

جنگ جهانی اول، عنوان جنگی است که از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی ادامه داشت و تقریباً تمامی قدرتهای بزرگ جهان را درگیر خود کرد.^۱ در جریان این جنگ که از پایان آن حدود ۱۰۰ سال می‌گذرد، علاوه بر فجایع و مصائب آسفبار نسبت به انسان‌ها، حقوق متعددی از جمله حق «بی‌طرفی»^۲ و حقوق بشردوستانه نقض شدند. نقض حقوق در این دوره تا حدی بوده که برخی افراد، دوره وقوع و جریان این جنگ را به منزله دوره‌ای قلمداد می‌کنند که حقوق بین‌الملل وجود خارجی نداشته است.^۳ این فجایع حتی تا سال‌ها بعد نیز از اذهان پاک نشد، به طوری که بزرگ‌ترین و فراگیرترین سازمان بین‌المللی که تاکنون در جهان تشکیل شده است (سازمان ملل متحد)، پیشگیری از ارتکاب مجدد فجایع این جنگ- و البته جنگ جهانی دوم- را به عنوان یکی از دلایل ایجاد خود ذکر نموده است: «برای نجات نسل‌های آینده از فجایع جنگ که تاکنون دو بار در طول حیات بشریت (اشاره به جنگ‌های جهانی اول و دوم) مصائب بی‌شماری را به بشریت وارد آورده است ... تصمیم گرفته‌ایم تا تلاش‌های مشترکمان را انجام دهیم».^۴ در نتیجه این فجایع و نقض گسترده حقوق، گروه‌های متعددی در اروپا و ایالات متحده آمریکا به نحو فعالی مشغول برنامه‌ریزی در خصوص وضعیت پس از جنگ شدند و در رابطه با نظم پس از جنگ تحقیق کردند.^۵ تقریباً همگی با «ویلسون»^۶ - رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده- هم‌نظر بودند که نظم قبل از جنگ جهانی اول ناکارآمد بوده و باید در جهت ایجاد یک جهان بدون جنگ، اصلاح گردد.^۷ بدین منظور، سران دولت‌های پیروز در جنگ در کنفرانسی در پاریس گرد هم آمدند و این نشست که شش ماه به طول انجامید با انعقاد معاهده

۱. تا پیش از وقوع جنگ جهانی دوم، جنگ جهانی اول به نام‌هایی از جمله جنگ بزرگ یا جنگ جهانی خوانده می‌شد.

2. Neutrality.

3. Diggelmann, Oliver. "Beyond the Myth of a Non-relationship: International Law and World War I," *Journal of the History of International Law*, Vol. 19, 2017, p. 93.

4. Charter of the United Nations, Preamble.

5. Shinohara, Hatsue. "International Law and World War I," *Diplomatic History*, Vol. 38, No. 4, 2014, pp. 884-885.

6. Woodrow Wilson.

7. Shinohara, Hatsue. "International Law and World War I," *Diplomatic History*, Vol. 38, No. 4, 2014, p. 885.

«ورسای»^۱ به پایان رسید. معاهده ورسای که یک نظام دارای خصیصه‌های بارز حقوقی را تبیین می‌نمود بیش از هر چیز، توجه همگان را به جایگاه و اهمیت حقوق بین‌الملل در مسائل سیاسی و روابط بین‌الملل جلب نمود.^۲

مهم‌ترین کاستی نظام حقوق بین‌الملل موجود در زمان بروز جنگ جهانی اول، عدم ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل بود. بدین ترتیب که علاوه بر حقوق قراردادی، حقوق عرفی بین‌المللی نیز حاوی هیچ قاعده‌ای در خصوص ممنوعیت توسل به زور نبود و همواره از جنگ به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی استفاده می‌شد و اصلی به نام لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی به‌طور کامل به رسمیت شناخته نشده بود. ضعف نظام حل و فصل اختلاف بین‌المللی که در آن زمان تحت کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها به نظم درآمده بود نیز در وقوع جنگ جهانی اول بی‌تأثیر نبود. مطابق این کنوانسیون‌ها دولت‌ها باید تا حد امکان از توسل به زور در روابط میان خود امتناع نموده و صرفاً باید تلاش خود را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی انجام دهند و توسل به ابزارهای دیپلماتیک، «میانجیگری»^۳، «کمیسیون‌های بین‌المللی تحقیق»^۴ و «دیوان دائمی داوری»^۵ را برای این منظور ارائه می‌کنند که به‌جز داوری، هیچ‌کدام از این روش‌ها تصمیمی الزام‌آور برای طرف‌های اختلاف ارائه نمی‌دهد.^۶ توسل به دیوان دائمی داوری که می‌توانست تصمیم الزام‌آور برای طرف‌های اختلاف صادر کند^۷ نیز تنها با رضایت و توافق طرف‌ها برای مراجعه به دیوان امکان‌پذیر بود که با توجه به روابط دولت‌ها در آن دوران، چنین توافقی به‌سختی حاصل می‌شد. همچنین، قواعد قابل‌اعمال

۱. Versailles معاهده ورسای، یک سند دوجبهی است. بدین ترتیب که از یک‌طرف خصیصه تنبیهی برای دولت‌های مغلوب جنگ دارد و از طرف دیگر، ایجادکننده یک نظم بین‌المللی لیبرال و متعالی در زمان خودش است (Shinohara, Hatsue. "International Law and World War I," *Diplomatic History*, Vol. 38, No. 4, 2014, p. 885).

2. Frei, Gabriela A. "International Law and the First World War: Introduction," *The European Journal of International Law*, Vol. 29, No.1, 2018, p. 231.

3. Mediation.

4. International Commission of Inquiry.

5. Permanent Court of Arbitration.

6. Convention for the Pacific Settlement of International Disputes 1899, arts. 126, 914; Convention for the Pacific Settlement of International Disputes 1907, arts. 1,2,6,9,14.

7. Convention for the Pacific Settlement of International Disputes 1899, arts, 56,84.

در جنگ‌ها نیز قواعد تکامل‌یافته‌ای قلمداد نمی‌شد. به طوری که حتی برخی افراد، ضعف حقوق بشردوستانه در زمان جنگ را علت اصلی بروز جنگ جهانی اول می‌دانند.^۱ علاوه بر ضعف این کنوانسیون‌ها، برخی از آن‌ها به سبب فقدان پیش‌شرط‌های لازم، بر جنگ جهانی اول قابل‌اعمال نبودند. برای مثال، کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه حاوی مقرره‌ای بودند که مطابق آن، تمامی طرف‌های درگیر در جنگ باید این کنوانسیون‌ها را تصویب می‌کردند تا آن‌ها قابلیت اعمال نسبت به مخاصمه را داشته باشند^۲ و چون صربستان و مونته‌نگرو و امپراتوری عثمانی آن‌ها را تصویب نکرده بودند، اعمال کنوانسیون‌های مزبور نسبت به جنگ جهانی اول محل تردید بود.^۳

این نوشتار تلاش دارد تا اهم تحولات حقوق بین‌الملل در نتیجه جنگ جهانی اول را مورد مذاقه و بررسی قرار دهد.

۱. ایجاد جامعه ملل

برجسته‌ترین تحول حقوق بین‌الملل در نتیجه جنگ جهانی اول، ایجاد جامعه ملل بود که به‌عنوان یک رخداد انقلابی در روابط بین‌دولت‌ها محسوب می‌شود.^۴ سند مؤسس جامعه ملل که میثاق نام دارد، در کنفرانس صلح پاریس منعقد گردید. میثاق جامعه ملل- برخلاف منشور سازمان ملل متحد- یک سند مستقل و جداگانه‌ای نیست، بلکه چند ماده در دل معاهده ورسای است. جامعه ملل به‌طور کلی دو هدف را دنبال می‌کرد: «ارتقاء همکاری بین‌المللی و دستیابی به صلح و

۱. کمیته صلیب سرخ در شرح پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بیان می‌کند که جنگ جهانی اول به‌واسطه ناتوانی کنوانسیون‌های ۱۸۶۴ و ۱۹۰۶ ژنو و کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در کنترل خشونت رهاشده در نتیجه جنگ مدرن درگرفت (International Committee of the Red Cross, 1987, Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949, edited by Yves Sandoz, Christophe Swinarski, and Bruno Zimmermann, MartinusNijhoff Publishers, p.586)

2. Convention (II) with Respect to the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 29 July 1899, art. 2; Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 18 October 1907, art. 2.

3. Diggelmann, Oliver. "Beyond the Myth of a Non-relationship: International Law and World War I," *Journal of the History of International Law*, Vol. 19, 2017, p. 110.

4. Malanczuk, Peter. *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, Routledge, 1997, pp. 46-47.

امنیت بین‌المللی».^۱ در خصوص ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی، میثاق بر لزوم همکاری در حوزه‌های متعدد از جمله همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، پیشگیری و نظارت بر بیماری‌ها و بهبود شرایط کار تأکید می‌کند.^۲ در واقع، فارغ از موافقت‌نامه‌های سنتی میان دولت‌ها که به همکاری در برخی از حوزه‌ها می‌پرداخت، میثاق توسل به همکاری را به‌عنوان یک تعهد عام برمی‌شمرد.^۳ اما میثاق به هدف دوم که دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی است، به‌طور مفصل‌تری پرداخته است.

میثاق به‌عنوان یک تعهد کلی از دولت‌های عضو جامعه ملل می‌خواهد تا به تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی سایر دولت‌ها احترام بگذارند و از تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی همه دولت‌های عضو در مقابل «تجاوز»^۴ خارجی محافظت کنند.^۵ لزوم احترام به تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت‌های عضو جامعه از چنان اهمیتی در میثاق برخوردار است که جنگ یا تهدید به جنگ به‌عنوان یک دغدغه مرتبط با کل جامعه ملل قلمداد گردید.^۶ همچنین، میثاق برای پیشگیری از تصمیمات عجولانه در خصوص توسل به جنگ، فرآیندی را پیش‌بینی کند که بر اساس آن، دولت‌های عضو سازمان می‌پذیرند که در صورت بروز اختلاف میان آن‌ها که احتمالاً می‌تواند موجب از هم گسستگی شود، موضوع را در رسیدگی قضایی یا داوری پیگیری نمایند یا موضوع را با شورای جامعه به مشورت بگذارند و تا سه ماه پس از حکم قضایی

1. Covenant of the League of Nations, Preamble.

2. Covenant of League of Nations, Preamble and art. 23.

3. Shinohara, Hatsue. "International Law and World War I," *Diplomatic History*, Vol. 38, No. 4, 2014, p. 886.

4. Aggression.

5. Covenant of League of Nations, art. 10.

6. Covenant of League of Nations, art. 11.

در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی، جامعه ملل نتوانست از وقوع جنگ جهانی دوم جلوگیری کند و به دلیل شکست در یکی از اهداف اصلی خود، منحل گردید. پس از این که پیشنهاددهنده اصلی ایجاد جامعه ملل- «ویلسون» رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا- نتوانست رأی مثبت کنگره کشورش در خصوص پیوستن به جامعه را کسب کند، دولت آلمان جانشین آمریکا در شورای جامعه شد و در کنار دولت‌های فرانسه، انگلستان، ایتالیا و ژاپن اعضاء ثابت این رکن را تشکیل دادند. آلمان در سال ۱۹۳۲ به‌محض آن که توانست هژمونی خود را بر جامعه بین‌المللی اعمال کند، از سازمان خارج شد. ایتالیا نیز در پی مطرح‌شدن مستعمرات آن از جمله اتیوپی سازمان را ترک کرد. خروج ژاپن نیز سبب شد تا به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم، شورای اجرایی تنها دو عضو دائم داشته باشد. همین سه کشور خارج‌شده از شورای جامعه ملل، کشورهای محور در جنگ جهانی دوم را تشکیل دادند (بیگ زاده، ابراهیم. تفریبات درس حقوق بین‌الملل کیفی، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۴، صص ۲۰-۱۹).

یا داوری یا گزارش شورا به هیچ‌وجه متوسل به جنگ نشوند.^۱ در واقع، «طی کردن»^۲ فرآیندهای سیاسی و قضایی حل‌وفصل اختلاف، پیش‌شرط توسل به جنگ قلمداد گردیده و انجام این پیش‌شرط آن قدر با اهمیت قلمداد شده که عدم رعایت آن، سایر دولت‌های جامعه را محق می‌نمود تا علیه دولت ناقض میثاق به جنگ متوسل شوند.^۳ به هر حال، با این که توسل به زور در میثاق صرفاً تا حدودی محدود- نه ممنوع- شد، در مقدمه میثاق تصریح گردید که یکی از شیوه‌های نیل به اهداف اصلی جامعه ملل، پذیرش تعهد به عدم توسل به زور است.

حرکت حقوق بین‌الملل به سمت ممنوعیت توسل به جنگ در روابط بین‌الدولی که از سوی میثاق آغاز شده بود، حدود یک دهه پس‌از آن در «پیمان بریان- کلوگ»^۴ به ثمر نشست. در این پیمان سه ماده‌ای که در سال ۱۹۲۹ میلادی میان دولت‌های فرانسه و آمریکا منعقد شد، طرف‌های آن ضمن محکوم کردن جنگ در روابط بین‌المللی، از توسل به آن به‌عنوان یک ابزار سیاست ملی در روابط میان خود تبری جستند و توافق کردند که کلیه اختلاف‌های میان خود- با هر ماهیت و منشأ- را جز با توسل به ابزارهای مسالمت‌آمیز حل‌وفصل نمایند.^۵ این پیمان که در ابتدا دوجانبه بود، بعدها با تصویب از سوی ۶۳ دولت جهان تبدیل به یک معاهده چندجانبه شد.^۶

۲. مسئولیت کیفری افراد در حقوق بین‌الملل و مسئولیت بین‌المللی دولت

رهاورد دیگر جنگ جهانی اول برای حقوق بین‌الملل، شناسایی مسئولیت کیفری برای افراد در حقوق بین‌الملل است. برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری فرد در قبال اقدام متخلفانه او در ماده ۲۲۷ معاهده ورسای مورد پذیرش قرار گرفت^۷ و «قیصر»^۸ آلمان (ویلپلم

۱. میثاق علی‌رغم این که شورای جامعه را ملزم را نموده تا پس از شش ماه از ارجاع اختلاف، گزارش خود را ارائه نماید، در خصوص تصمیم‌گیری قضایی یا داوری هیچ محدودیت زمانی در نظر نگرفته و صرفاً اعلام کرده بود که این تصمیم باید در یک‌زمان معقول (Reasonable Time) اتخاذ گردد (ماده ۱۲).

2. Exhaustion.

3. The Covenant of the League of Nations, art. 16.

4. Kellogg-Briand Pact.

5. Kellogg-Briand Pact 1928, arts. 1-2.

۶. بیگ زاده، ابراهیم. تقریرات درس تحلیل عملکرد دولت‌ها و وقایع بین‌المللی روز، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۳، ص ۵.

۷. به‌عنوان یک مورد استثنائی پیش از جنگ جهانی اول، حقوق بین‌الملل در قالب کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه، رسیدگی به مسئولیت کیفری ناقضان حقوق بشردوستانه را در دادگاه‌های ملی مورد پذیرش قرار داده بود.^۸

دوم^۲) به‌خاطر شروع جنگ جهانی اول، مجرم اعلام شد.^۳ البته مطابق این ماده، قرار بود که یک دادگاه با تضمینات کامل حق دفاع برای متهم که از پنج قاضی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و ژاپنی تشکیل می‌شود به اعمال او رسیدگی کند که این دادگاه هرگز تشکیل نشد. ماده ۲۲۷ معاهده ورسای از دو جهت حائز اهمیت است. بدین ترتیب که علاوه بر پذیرش مسئولیت کیفری افراد در حقوق بین‌الملل، با رد «مصونیت»^۴ مقامات دولت‌ها، مسئولیت کیفری آن‌ها را نیز برای نخستین بار می‌پذیرد. تا قبل از جنگ جهانی اول، حقوق بین‌الملل بر یک رویه مبتنی بر «بی‌کیفرمانی»^۵ سران و مقامات دولتی و استوار بود.^۶ اما معاهده ورسای این رویه را تغییر داد. حقوق بین‌الملل در ادامه مسیر خود، رویکرد اتخاذشده در معاهده ورسای در خصوص تعقیب کیفری سران و مقامات دولت‌ها را به‌طور گسترده مورد توجه و تأکید قرار داد. بدین ترتیب که این امر ابتدا در دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو که پس از جنگ جهانی دوم برای تعقیب رهبران اصلی دولت‌های محور تشکیل شدند. عمدتاً در قالب «جرائم علیه صلح»^۷ - رعایت گردید و سپس در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های موردی که پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی تشکیل شدند، به‌عنوان یک امر بدیهی موردپذیرش قرار گرفت.^۸ نکته جالب دیگر در خصوص

← (Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armies in the Field, 6 July 1906, effective on 9 September 1907, 118 UNTS 303, art. 28)

1. Kaiser.

2. Wilhelm II.

۳. ویلهلم دوم به هلند گریخت و هلند نیز به دلیل نداشتن معاهده استرداد با دول فاتح جنگ، ایشان را مسترد نکرد (Sellars, Kristen. "The First World War, Wilhelm II and Article 227: The Origin of the Idea of 'Aggression' in International Criminal Law," *The Crime of Aggression – A Commentary*, edited by Claus Kress and Stefan Barriga, Cambridge University Press, 2016, p. 21)

۴. *Origin of the Idea of 'Aggression' in International Criminal Law*, edited by Claus Kress and Stefan Barriga, Cambridge University Press, 2016, p. 21

۵. ویلهلم دوم تا زمان فوت خود در سال ۱۹۴۱ میلادی که اتفاقاً دو سال از شروع جنگ جهانی دوم می‌گذشت، در هلند زندگی کرد و جالب این‌که سرزمین هلند در جریان جنگ جهانی دوم به تصرف کامل آلمان درآمد (Van Boom, Willem H. "The Great War and Its Significance for Law, Legal Thinking and Jurisprudence," *Erasmus Law Review*, No.2, 2018, p. 51)

۶. Law, Legal Thinking and Jurisprudence," *Erasmus Law Review*, No.2, 2018, p. 51

4. Immunity.

5. Impunity.

6. Diggelmann, Oliver. "Beyond the Myth of a Non-relationship: International Law and World War I," *Journal of the History of International Law*, Vol. 19, 2017, p. 104.

7. Crimes against Peace.

8. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 27; Statute of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), art. 7(2); Statute of the International Criminal Tribunal for the Rwanda (ICTR), art. 6(2); Statute of Special Court for Sierra Leone (SCSL), art. 6(2); Extraordinary Chambers in the→

ماده ۲۲۷ معاهده ورسای این است که برای نخستین بار و شاید آخرین بار در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری در قبال نقض اخلاق مورد شناسایی قرار گرفت.^۱ این مقررہ تصریح می‌کند که «ویلپلم دوم» متهم به ارتکاب جرم علیه اخلاق بین‌المللی- و البته نقض حرمت معاهدات- است. در ضمن معاهده ورسای، علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، مسئولیت بین‌المللی دولت و مسائل پیرامون آن از جمله موضوع «جبران»^۲ نیز مورد توجه قرار گرفت. طبق این معاهده، دولت آلمان مسئول تمامی خسارت‌های ناشی از جنگ جهانی اول شناخته شد و تصمیم بر این شد که «کمسیون غرامت»^۳، میزان این خسارت‌ها را پس از استماع دفاعیات دولت آلمان تا اول مه ۱۹۲۱ به این دولت اعلام نموده و یک جدول زمان‌بندی ۳۰ ساله را برای انجام تمامی تعهدات آلمان پیش‌بینی نماید.^۴ البته، جبران خسارت نسبت به اموال، وجوه، مدارک یا هرگونه اشیاء توقیف‌شده مطرح نشد و مقرر گردید که آن‌ها باید فوراً بازگردانده شوند.^۵ نکته قابل‌توجه دیگر این است که برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل، این امر در معاهده ورسای موردپذیرش قرار گرفت که احراز مسئولیت کیفری افراد نافی مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال همان عمل نخواهد بود و احراز مسئولیت بین‌المللی دولت نیز مانعی برای تعقیب کیفری افراد در قبال همان عمل نخواهد بود. بر این اساس، پس از این‌که در ماده ۲۲۷ معاهده ورسای به مسئولیت کیفری «ویلپلم دوم» تصریح می‌شود، در ماده ۲۳۱ آن اعلام می‌گردد که دولت آلمان و متحدان آن در

←Courts of Cambodia (ECCC), art. 29; Statute of Extraordinary African Chambers in the Senegalese Courts, art. 10(3).

۱. بند پایانی مقررہ مربوط به جنایت علیه بشریت (Crimes against Humanity) در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را می‌توان جلوه دیگری از پذیرش مجازات در قبال نقض قواعد اخلاقی قلمداد نمود. در ماده ۷ اساسنامه دیوان، پس از این‌که مصادیق متعدد جنایت علیه بشریت ذکر می‌گردد، در بند پایانی سایر اعمال غیرانسانی (Other Inhumane Acts) که به‌طور ارادی سبب ورود صدمه جدی یا شدید به جسم یا سلامت فیزیکی یا روانی افراد گردد، نیز به‌عنوان یکی از مصادیق این جرم تلقی شده است.
برای مطالعه بیشتر در خصوص جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل ر ک: بذار، وحید. جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۲، ۱۳۹۷، صص ۲۸۴-۲۵۹.

2. Reparation.

3. Reparation Commission.

4. Treaty of Versailles 1919, arts. 231,233.

5. Treaty of Versailles 1919, arts. 238,239.

قبال جبران خسارت‌های جنگی مسئولیت بین‌المللی دارند.^۱ این دستاورد، ۸۰ سال بعد در کنفرانس دیپلماتیک رُم که به منظور تنظیم اساسنامه نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی کیفری تشکیل شد، مورد توافق نمایندگان دولت‌های جهان قرار گرفت و در اساسنامه دیوان گنجانده شد. بر اساس مقرره مزبور، مفاد این اساسنامه در خصوص مسئولیت کیفری افراد تأثیری بر مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نخواهد داشت.^۲ سه سال پس از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)^۳ در ماده ۵۸ خود تصریح نمود که مقررات این سند هیچ‌گونه تأثیری بر مسئولیت کیفری افرادی که از طرف دولت اقدام می‌کنند، ندارد.^۴

تمامی این دستاوردها بعدها به‌طور گسترده مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفت. بدین ترتیب که بازیگران جامعه بین‌المللی با ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی^۵ و سپس دیوان کیفری بین‌المللی مسئولیت کیفری افراد را در حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار دادند. بر این اساس سال‌هاست که شاخه‌ای به نام حقوق کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از حوزه‌های حقوق بین‌الملل، ایجاد شده و به‌طور تخصصی مورد توجه و تدقیق حقوق‌دانان بین‌المللی قرار گرفته است. همچنین، در هیچ‌کدام از دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، مصونیت سران دولت‌ها

۱. دولت آلمان برای توجیه اقدامات خود در خلال جنگ جهانی اول به مواردی از جمله ضرورت نظامی (Military Necessity)، اقدامات متقابل یا اعمال تلافی‌جویانه (Countermeasures or Reprisals) استناد می‌نمود.

2. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 25(4).

۳. اعتبار طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) که محصول پنج دهه فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد است، به‌هیچ‌وجه محل مناقشه نیست و این سند به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفته است (بذآر، وحید). جایگاه مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل در پرتو طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) و سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۱۶، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹. به‌طوری‌که در گزارش دبیر کل ملل متحد که در پاسخ به درخواست کمیته ششم مجمع عمومی ارائه گردید، اعلام شد که تا سال ۲۰۱۳ میلادی، طرح مزبور و شرح آن در ۲۱۰ رأی مورد تصریح قرار گرفته است که در میان نام نهادهای قضایی و شبه قضایی صادرکننده این آراء، نام دادگاه‌ها و مراجع برجسته بین‌المللی از جمله نهاد حل‌وفصل اختلاف سازمان تجارت جهانی، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان‌های بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر به چشم می‌خورد.

(Bordin, Fernando Lusa. "Reflections of Customary International Law: The Authority of Codification Conventions and ILC Draft Articles in International Law," *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 63, 2014, P. 536,545)

۴. نزدیکی منش، هیبت الله و بذآر، وحید. امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به استفاده از سلاح هسته‌ای، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۹، شماره ۳۶، ۱۳۹۷، ص ۱۶۱.

5. *ad hoc*.

به‌عنوان یک مانع در مسیر رسیدگی این دادگاه‌ها قلمداد نشد و رسیدگی به مسئولیت دولت مانعی برای تحت تعقیب قرار دادن سران آن دولت‌ها به‌واسطه همان اقدامات قلمداد نگردید. از نکات قابل توجه دیگر، وقوع «نسل‌زدایی»^۱ در جریان جنگ جهانی اول بود که به تلاش‌های مربوط به ممنوعیت این عمل در حقوق بین‌الملل انجامید. این اتفاق نظر وجود دارد که نخستین نسل‌زدایی، در جنگ جهانی اول و نسبت به آرمینان ساکن در امپراتوری عثمانی رخ داده است. شرح قضیه بدین قرار است که سلطان عبدالحمید عثمانی با اعتقاد به این‌که آرامنه ساکن در امپراتوری عثمانی برای مسیحیانی که در جنگ با این امپراتوری هستند، جاسوسی می‌کنند، اقدام به انتقال آن‌ها به بخش آسیایی امپراتوری کرد و در جریان این جابجایی، عده زیادی کشته شدند.^۲ تلاش‌های مربوط به ممنوعیت نسل‌زدایی با تکرار وقوع این جنایت در جنگ جهانی دوم، تسریع گردید و در نهایت منجر به تصویب کنوانسیون در سال ۱۹۴۸ شد.^۳ جالب است که بند پ ماده ۲ این کنوانسیون، نسل‌زدایی ارتكابی در جریان جنگ جهانی اول را به‌عنوان یکی از مصادیق این جرم قلمداد نموده است: «قراردادن ارادی یک گروه مذهبی، نژادی، قومی و ملی در شرایطی که منجر به نابودی فیزیکی کلی یا جزئی آن‌ها شود». نسل‌زدایی که جرم‌الجرائم نیز خوانده می‌شود، بعدها در زمره یکی از جرایم انگشت‌شماری قلمداد شد که همواره در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی درج می‌گردید.^۴

تحولات مربوط به حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت، پس از جنگ جهانی اول و با تأخیر چندساله آغاز گردید. البته، این موضوع پس از تصریح به مسئولیت دولت آلمان در معاهده ورسای همواره از سوی حقوقدانان بین‌المللی مورد اشاره و بررسی قرار می‌گرفت. نخستین تلاش برای تدوین حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، در کنفرانس سال ۱۹۳۰ لاهه به ثمر نشست. در این کنفرانس که به‌طور مشخص به صدمات وارده به بیگانگان پرداخته شد،

1. Genocide.

۲. بیگ زاده، ابراهیم. تقریرات درس حقوق بین‌الملل کیفری، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۴، ص ۳۷.

۳. در قالب کنوانسیون منع نسل‌زدایی (سال ۱۹۴۸)، یک دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جرم نسل‌زدایی پیش‌بینی شده بود که این دادگاه هرگز تشکیل نشد.

4. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 6; Statute of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), art. 4; Statute of the International Criminal Tribunal for the Rwanda (ICTR), art. 2; Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia (ECCC), art. 4.

سطوح مختلف نقض‌های حقوق بین‌الملل و مواردی به‌جز در خصوص دولت زیان‌دیده مستقیم مورد توجه قرار نگرفت.^۱ در ادامه و با تشکیل کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ که مسئولیت توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل را بر عهده گرفت، موضوع حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت، یکی از چهارده حوزه‌ای بود که در راستای تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت.^۲ کمیسیون در این مسیر، تلاش‌های گسترده‌ای انجام داد و تحولات متعددی را در این راستا تجربه نمود تا سرانجام توانست در سال ۲۰۰۱ میلادی، طرح نهایی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را ارائه نماید.

۳. ایجاد دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

رهاورد دیگر جنگ جهانی اول برای حقوق بین‌الملل، ایجاد نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی بود. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی بود که برای حل و فصل اختلاف در روابط بین دولت‌ها ایجاد شد. تا پیش از تشکیل دیوان، تنها شیوه حقوقی حل و فصل اختلاف در روابط میان دولت‌ها مراجعه به داوری‌های موردی و بعضاً مراجعه به «دیوان دائمی داوری»^۳ بود. ایجاد دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و دادگاه‌های بین‌المللی متعدد پس از آن در راستای پاسخ به انتقاد همیشگی به نظام حقوق بین‌الملل، یعنی ضعف در ضمانت‌اجراء آن بود. البته، ضمانت‌اجراء آراء این دادگاه‌ها نیز مسئله قابل تأملی است که بررسی آن، مجال دیگری را می‌طلبد. در زمان ایجاد دیوان دائمی نیاز به یک مرجع قضایی بین‌الدولی در جامعه بین‌المللی آن‌چنان احساس می‌شد که دیوان دائمی- علی‌رغم فقدان «صلاحیت اجباری»^۴ نسبت به تمامی

1. Nolte, Georg. "From Dionisio Anzilotti to Roberto Ago The Classical International Law of State Responsibility and the Traditional Primacy of a Bilateral Conception of Inter-state Relation," *European Journal of International Law*, Vol. 13, No.5, 2002, p. 1091.

2. Dimitrovska, Milka. "The Concept of International Responsibility of State in the International Public Law System," *Journal of Liberty and International Affairs*, Vol. 1, No. 2, 2015, p. 3.

3. Permanent Court Arbitration (PCA).

4. Compulsory Jurisdiction.

اختلاف‌های موجود- تنها از زمان تشکیل و انتخاب قضاات آن در سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ میلادی، ۱۶ رأی و ۱۶ نظریه مشورتی صادر کرد.^۱

مورد دیگر، احصاء منابع حقوق بین‌الملل در اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری بود. تا پیش از ایجاد دیوان دائمی، هیچ توافق جامعی در مورد منابع حقوق بین‌الملل وجود نداشت و این امر برای نخستین بار در ماده ۳۸(۱) اساسنامه دیوان مورد تصریح قرار گرفت.^۲ دسته‌بندی ماده ۳۸ از منابع حقوق بین‌الملل به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش جامعه بین‌المللی و مورد استناد بازیگران این عرصه قرار گرفته است. این ماده تردیدهایی را که به‌طور خاص در مورد الزام‌آور بودن عرف بین‌المللی به‌عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل وجود داشت را مرتفع نمود.^۳ در ادامه روند توسعه حقوق بین‌الملل، این منبع حقوق تا حدی از اصالت برخوردار شد که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده آمریکا در نیکاراگوئه» اعلام می‌کند که برخی حقوق ممکن است به‌طور هم‌زمان در حقوق معاهداتی و حقوق عرفی وجود داشته باشند و محتوای این دو دسته از قواعد در خصوص حقوق واحد لزوماً یکسان نیستند.^۴

1. Shinohara, Hatsue. "International Law and World War I," *Diplomatic History*, Vol. 38, No. 4, 2014, p. 890.

۲. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری که بعدها در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تکرار شده، بیان می‌دارد:

۱. دیوان که وظیفه دارد تا در خصوص اختلافاتی که در آن مطرح می‌شود، بر اساس حقوق بین‌الملل تصمیم‌گیری نماید، اعمال می‌نماید:

الف (کنوانسیون‌های بین‌المللی- عام یا خاص- که قواعدی که طرف‌های اختلاف به‌طور صریح پذیرفته‌اند را تصدیق می‌کند؛

ب) عرف بین‌المللی که به‌عنوان یک رویه عمومی پذیرفته‌شده به‌عنوان حقوق؛

پ) اصول کلی حقوقی مورد پذیرش ملل متمدن؛

ت) (رویه قضایی و آموزه‌های برجسته‌ترین حقوقدانان ملل مختلف به‌عنوان ابزار فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

3. Diggelmann, Oliver. "Beyond the Myth of a Non-relationship: International Law and World War I," *Journal of the History of International Law*, Vol. 19, 2017, p. 107.

4. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, I.C.J. Reports 1986, para. 175.

۴. تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه

جنگ جهانی اول که با نقض «بی‌طرفی» بلژیک از سوی آلمان آغاز شد، نقض‌های متعددی را در حوزه قواعد حقوق بشردوستانه از جمله حمله ارادی به «غیرنظامیان»^۱ و بدرفتاری با آنان به دلیل عدم همکاری، بمباران هوایی مناطق پرتراکم انسانی و مناطق غیرنظامی، برنامه‌های کار اجباری برای اسرای جنگی و غیرنظامیان و کاربرد نامحدود تکنولوژی‌های تسلیحاتی جدید^۲ به همراه داشت.^۳ بر اساس معاهده ورسای، افراد متهم به ارتکاب نقض عرف‌ها و حقوق جنگ برای محاکمه به دادگاه‌های نظامی سپرده خواهند شد و دولت آلمان مکلف است تا تقاضای هر یک از دولت‌های پیروز نسبت به تحویل این افراد را اجابت نماید. البته، این قید در خصوص محل محاکمه این افراد وجود داشت که متهمان ارتکاب جنایت علیه اتباع یکی از دولت‌های پیروز در دادگاه نظامی آن دولت محاکمه خواهند شد.^۴

آشکارشدن کاستی‌های حقوق ژنو و حقوق لاهه در جنگ جهانی اول منجر به آغاز تلاش‌های جامعه بین‌المللی در مسیر جبران این کاستی‌ها شد. نخستین محصول این تلاش‌ها، کنوانسیون مربوط به وضعیت اسرای جنگی بود که در نتیجه کمبودهای حقوق اسرای جنگی از جمله در موارد اقدامات تلافی‌جویانه علیه آن‌ها، فرآیند بازگرداندن آن‌ها و فقدان سازمان‌های نظارت‌کننده در سال ۱۹۲۹ میلادی منعقد گردید.^۵ ۲۰ سال بعد از آن نیز کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) تهیه شدند که گستره وسیعی از مسائل حقوق بشردوستانه را مورد توجه قرار دادند. پروتکل‌های سال ۱۹۷۷ منضم به این کنوانسیون‌ها نیز دستاورد قابل توجهی برای تکمیل این تلاش‌ها بود. فارغ از نقض‌های حقوق بشردوستانه، آثار آسفناک استفاده از گازهای شیمیایی که برای نخستین بار در تاریخ، در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا برای پیشگیری از تکرار مجدد فجایع ناگوار ناشی از کاربرد این

1. Civilians.

۲. از جمله تسلیحات و شیوه‌های جنگی که استفاده از آن‌ها در جنگ جهانی اول بسیار بدیع بود، کاربرد تانک و زیردریایی و استفاده از گازهای شیمیایی است.

3. Bernstorff, Jochen Von. "The Use of Force in International Law before World War I: On Imperial Ordering and the Ontology of the Nation-State," *The European Journal of International Law*, Vol. 29, No. 1, 2018, pp. 254-255.

4. Treaty of Versailles 1919, art. 229.

5. Wylie, Neville and Cameron, Lindsey. "The impact of the First World War on the law governing the treatment of prisoners of war, and the making of a humanitarian subject," *European Journal of International Law*, 2017, p. 4.

گازها، تلاش‌های فوری خود را انجام دهد.^۱ این تلاش‌ها به سرعت به نتیجه رسید و منتج به انعقاد پروتکل ژنو در خصوص ممنوعیت کاربرد سلاح‌های خفه‌کننده، سمی و سایر گازها و شیوه‌های میکروبیولوژی جنگیدن در سال ۱۹۲۵ میلادی شد. در نهایت، کنوانسیون ممنوعیت ساخت، تولید، نگهداری و استفاده از سلاح شیمیایی در سال ۱۹۹۷ و تصویب رسید و بر اساس آن، «سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی»^۲ جهت نظارت بر امور مربوط به این کنوانسیون تشکیل شد.^۳

۱. استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول منجر به کشته شدن بیش از صد هزار نفر و مجروح شدن یک میلیون نفر شد. در این جنگ که گازهای شیمیایی برای نخستین بار مورد استفاده قرار گرفت، بشر هنوز به تکنولوژی پرتاب آن‌ها دست نیافته بود و استفاده از آن بدین ترتیب بود که هنگامی باد به سمت دشمن می‌وزید، فلکه گاز را باز می‌کردند تا باد، گازهای شیمیایی را به سمت دشمن ببرد.

2. Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW).

3. Eslava, Luis. "The Materiality of International Law: Violence, History and Joe Sacco's *The Great War*," *London Review of International Law*, Vol. 5, Issue 1, 2017, p. 57.

نتیجه‌گیری

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، ساختار نهادین جامعه بین‌المللی شروع به شکل‌گیری کرد. فجایع و نقض‌های حقوقی متعددی که در جریان جنگ جهانی اول رخ داد، وجدان بشریت را بیدار کرد و جامعه بین‌المللی تلاش کرد تا با همکاری بین‌المللی، در راستای کاهش هرچه‌بیشتر آسیب‌های ناشی از جنگ‌های این‌چنینی حرکت کند و در مسیر نیل به صلح و امنیت بین‌المللی گام بردارد. عمده رهاوردهای جنگ جهانی اول برای حقوق بین‌الملل به‌واسطه انعقاد معاهده ورسای پدیدار گشت. در این معاهده برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری افراد مورد شناسایی قرار گرفت و پذیرفته شد که مقامات و سران دولت‌ها از تعقیب کیفری در حقوق بین‌الملل هیچ مصونیتی ندارند. همچنین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در جریان وقوع جنگ بسیار ناکارآمد جلوه نمود، تحولات متعددی را به خود دید. بدین ترتیب که به مدت نسبتاً کوتاهی پس از پایان جنگ، پروتکل ژنو در خصوص ممنوعیت کاربرد سلاح‌های خفه‌کننده، سمی و سایر گازها و شیوه‌های میکروبیولوژی جنگیدن منعقد گردید و پس از آن کنوانسیون مربوط به وضعیت اسرای جنگی در سال ۱۹۲۹ به تصویب رسید. در ادامه نیز کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به‌طور گسترده‌ای حقوق بشردوستانه را مورد توجه قرار دادند.

اما برجسته‌ترین تحول ناشی از جنگ جهانی اول در حقوق بین‌الملل، ایجاد یک سازمان بین‌المللی با نام جامعه ملل بود که اشتغالات آن- برخلاف سازمان‌های بین‌المللی موجود- محدود به حوزه‌های خاصی نبود و مبنای فعالیت خود را ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها در کلیه حوزه‌ها قرار داده بود. همچنین، این سازمان تلاش می‌کرد تا با پیش‌بینی یک فرآیند نسبتاً کوتاه‌مدت از تصمیمات عجولانه دولت‌ها در رابطه با حل و اختلافات خود از طریق توسل به زور پیشگیری نماید. نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی نیز باهدف حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دولت‌ها تشکیل شد تا به‌واسطه وجود آن، اختلافات میان دولت‌ها که تا پیش از آن اغلب منجر به بروز جنگ می‌شد، با مراجعه به دیوان حل‌وفصل گردد؛ اما گذر زمان نشان داد که جامعه ملل و دیوان نیز نمی‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری از جنگ ایفاء نمایند. البته، اگرچه جامعه ملل نتوانست از وقوع جنگ جهانی دوم پیشگیری کند، اما همین سازمان، مبنایی برای حرکت جامعه بین‌المللی به سمت یک نظم حقوقی جدید شد. بدین ترتیب که تجربه همکاری در

جامعه ملل و رفع ایرادهای آن در قالب سازمان ملل متحد، بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی (دولت‌ها) را به یکدیگر نزدیک ساخت و آن‌ها در قالب کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی به نقاط مشترکی در حوزه‌های مختلفی چون صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر، امور مالی و بانکی، مسائل زیست‌محیطی و حقوق بشردوستانه رسیدند. همچنین به‌واسطه همکاری دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی، این سازمان‌ها توانستند بر حسن انجام امور در حوزه‌های تخصصی خود نظارت داشته باشند و به تنظیم روابط پردازند.

منابع

۱. بذار، وحید. جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۲، ۱۳۹۷، صص ۲۸۴-۲۵۹.
۲. بذار، وحید. جایگاه مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل در پرتو طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) و سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۱۶، ۱۳۹۳، صص ۱۲۴-۱۱۵.
۳. بیگزاده، ابراهیم. تقریرات درس حقوق بین‌الملل کیفری، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۴.
۴. بیگزاده، ابراهیم. تقریرات درس تحلیل عملکرد دولت‌ها و وقایع بین‌المللی روز، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۳.
۵. نژندی منش، هیبت‌الله و بذار، وحید. امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به استفاده از سلاح هسته‌ای، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۹، شماره ۳۶، ۱۳۹۷، صص ۱۴۳-۱۶۴.

11. Malanczuk, Peter. **Akehurst's Modern Introduction to International Law**, Routledge, 1997.
12. Nolte, Georg. "From Dionisio Anzilotti to Roberto Ago The Classical International Law of State Responsibility and the Traditional Primacy of a Bilateral Conception of Inter-state Relation," *European Journal of International Law*, Vol. 13, No.5, 2002, pp. 1083-1098.
13. Sellars, Kristen. "The First World War, Wilhelm II and Article 227: The Origin of the Idea of 'Aggression' in International Criminal Law," *The Crime of Aggression – A Commentary*, edited by Claus Kress and Stefan Barriga, Cambridge University Press, 2016, pp. 21-48.
14. Shinohara, Hatsue. "International Law and World War I," *Diplomatic History*, Vol. 38, No. 4, 2014, pp. 880-893.
15. Van Boom, Willem H. "The Great War and Its Significance for Law, Legal Thinking and Jurisprudence," *Erasmus Law Review*, No.2, 2018, pp. 51-53.
16. Wylie, Neville and Cameron, Lindsey. "The impact of the First World War on the law governing the treatment of prisoners of war, and the making of a humanitarian subject," *European Journal of International Law*, 2017, pp. 1-31.

References:

A) Persian Sources

1. Bazzar, Vahid. 2018, **“The Position of Morality in International Law,”** *Moa'hede (Treaty) Legal Research Quarterly*, Vol. 2, No. 2, pp. 259-284.
2. Bazzar, Vahid. 2014, **“The place of international responsibility in international law in the light of the drafts of the International Law Commission on the International Responsibility of States (2001) and International Organizations (2011),”** *Nations Law Quarterly*, Vol. 16, pp. 115-124.
3. Beyg Zadeh, Ebrahim. 2014, **International Criminal Law (Class booklet)**, PhD in International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, 2018.
Beyg Zadeh, Ebrahim. 2014, **Analyzing the Practice of States and Current International Events (Class booklet)**, PhD in International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, 2018.
4. Najandi Manesh, Heybatolah and Bazzar, Vahid. 2018, **“The Feasibility of the Application of Jurisdiction of the International Criminal Court to Use of the Nuclear Weapons,”** *Police International Studies Quarterly*, Vol. 9, No. 36, pp. 143-164.

B) English Sources

5. Bernstorff, Jochen Von. “The Use of Force in International Law before World War I: On Imperial Ordering and the Ontology of the Nation-State,” *The European Journal of International Law*, Vol. 29, No. 1, 2018, pp. 233-260.
6. Bordin, Fernando Lusa. “Reflections of Customary International Law: The Authority of Codification Conventions and ILC Draft Articles in International Law,” *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 63, 2014, pp. 536-567.
7. Diggelmann, Oliver. “Beyond the Myth of a Non-relationship: International Law and World War I,” *Journal of the History of International Law*, Vol. 19, 2017, pp. 93-120.
8. Dimitrovska, Milka. “The Concept of International Responsibility of State in the International Public Law System,” *Journal of Liberty and International Affairs*, Vol. 1, No. 2, 2015, pp. 1-16.
9. Eslava, Luis. “The Materiality of International Law: Violence, History and Joe Sacco’s The Great War,” *London Review of International Law*, Vol. 5, Issue 1, 2017, pp. 49-86.
10. Frei, Gabriela A. “International Law and the First World War: Introduction,” *The European Journal of International Law*, Vol. 29, No.1, 2018, pp. 229-232.

The developments of international law as a result of World War I

Vahid BAZZAR (P.H.D of International Law of Allameh Tabatabai University)

Abstract:

World War I, which involved almost all of the major powers in the world from 1914 to 1918, has had a significant role in the development of international law. In fact, the horrific catastrophes and widespread breaches of rights that took place during this war seriously persuaded the international community in case of creating a more coherent legal system. As a result of conclusion of the Versailles Treaty after the end of the war, the states accepted to come together in an international organization with General jurisdiction (the League of Nations), which has set its main goals for promoting international cooperation and achieving international peace and security. Also, according to Constituent Instrument of this organization (the Covenant), the first use of the force was severely restricted in relations between states. The first permanent international court was set up with the aim of establishing a peaceful settlement mechanism for disputes in relations between states. Accepting criminal responsibility for government officials in the international area and humanitarian rights developments can also be cited as achievements of international law as a result of World War I.

Keywords:

International Law, World War I, Versailles Treaty, League of Nations, Permanent Court of International Justice